46068 - بیان اسباب عذاب قبر

سوال

چه گناهانی باعث می‌شود انسان دچار عذاب قبر شود؟

پاسخ مفصل

پیش‌تر در پاسخ به سوال شماره (45325) به ذکر این اسباب پرداختیم. هم اکنون مجموعه‌ای از این گناهان را با ذکر ادله‌ی آن از قرآن و سنت صحیح بیان خواهیم کرد.

ـ شرک و کفر به الله

الله متعال درباره‌ی آل فرعون می‌فرماید: ﴿النَّارُ يعْرَضُونَ عَلَيهَا غُدُوّاً وَعَشِياً وَيوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ [غافر/ ۴۶] ().

و می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلائِكةُ بَاسِطُو أَيدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكمُ الْيوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيرَ الْحَقِّ وَكنْتُمْ عَنْ آياتِهِ تَسْتَكبِرُونَ﴾ [انعام/ ۹۳] ().

زیرا فرشتگان، شخص کافر را به هنگام مرگ به عذاب و غل و زنجیر و جهنم و خشم خداوند بشارت می‌دهند و روحش در بدن پراکنده می‌شود و ملائکه او را می‌زنند و جانش را به سختی از بدن بیرون می‌آورند: ﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكمُ الْيوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ...﴾ [انعام/ ۹۳] ().

از جمله دلایلی که ثابت می‌کند شرک یکی از اسباب عذاب قبر است، حدیث زید بن ثابت ـ رضی الله عنه ـ است که گفت: در حالی که رسول الله ﷺ در یکی از باغ‌های بنی‌نجار سوار بر قاطر خود بود و ما با او بودیم، ناگهان قاطرش رم کرد و نزدیک بود ایشان را بیندازد. ناگهان شش یا پنج یا چهار قبر را دیدیم. فرمودند: **«چه کسی صاحبان این قبرها را می‌شناسد؟»** مردی گفت: من می‌شناسم.

فرمود: **«این‌ها کی مرده‌اند؟»** گفت: در دوران شرک. سپس فرمود: **«این امت در قبرهایشان مورد ابتلا قرار می‌گیرند و اگر ترس این نبود که مردگانتان را دفن نکنید، از الله می‌خواستم صدای عذاب قبر را که من می‌شنوم به شما می‌شنواند...»** سپس رو به ما کرد و فرمود: **«از عذاب آتش به الله پناه برید...»** به روایت مسلم (۲۸۶۷).

این قسمت از حدیث که می‌گوید: **«آن‌ها در دوران شرک مرده‌اند»** دلیل بر این است که شرک یکی از اسباب عذاب قبر است.

ـ نفاق

منافقان بیش از دیگران سزاوار عذاب قبرند، چرا که آنان اصحاب درک اسفل آتش جهنم‌اند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾ [توبه/ ۱۰۱] ().

قتادة و ربیع بن انس درباره‌ی سخن الله متعال که می‌فرماید: ﴿آنان را دو بار عذاب خواهیم داد﴾ می‌گویند: یک بار در دنیا و دیگری عذاب قبر.

و در احادیث سوال دو فرشته و فتنه‌ی قبر صراحتا از منافق نام برده شده و در بسیاری روایات دیگر از کسی که دچار شک است

سخن به میان آمده، چنان که در بخاری (۱۳۷۴) از انس ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: **«اما کافر و منافق پس به آنان گفته می‌شود...»** و در صحیحین از اسماء ـ رضی الله عنها ـ نقل شده که در قسمتی از حدیث آمده است: **«اما منافق یا شکاک...»**.

ـ تغییر شرع خداوند با تحریم آنچه الله حلال نموده یا برعکس

دلیل اینکه الحاد در شریعت الله یکی از اسباب عذاب قبر است، این سخن رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: **«عمرو بن لحی خزاعی را دیدم که دل و روده‌اش را در آتش به همراه خود می‌کشید؛ او نخستین کسی بود که چارپایان سائبه را قرار داد»** بخاری (۴۶۲۳).

«سائبه» شتر یا گاو یا گوسفندی است که آن را رها می‌کردند و نه سوارش می‌شدند و نه گوشت آن را می‌خوردند و بر آن بار نمی‌کشیدند. برخی از مشرکان چنین نذر می‌کردند که برخی از حیوانات خود را سائبه کنند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «عرب یعنی فرزندان اسماعیل و دیگران یعنی همسایگان بیت عتیق که توسط ابراهیم و اسماعیل بنا گردید، حنیف و بر دین ابراهیم بودند، تا آنکه یکی از والیان خزاعه به نام عمرو بن لحی دینشان را تغییر داد. او

نخستین کسی بود که دین ابراهیم را با شرک و تحریم آنچه خداوند حرام نساخته بود، تغییر داد؛ برای همین، پیامبر ﷺ می‌فرماید: **«عمرو بن لحی را دیدم که دل و روده‌اش را با خود می‌کشد»** (دقائق التفسیر: ۲/ ۷۱).

ـ پاک نداشتن خود از ادرار، و سخن چینی

از ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که رسول الله ﷺ از کنار دو قبر گذشت، پس فرمود: **«این دو دارند عذاب می‌شوند و برای چیز [به ظاهر] بزرگی عذاب نمی‌شوند؛ یکی از آن دو خود را از ادرارش پاک نمی‌داشت، و دیگری سخن چینی می‌کرد...»**

بخاری (۲۱۸) و مسلم (۲۹۲).

و از ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ نقل است که رسول الله ﷺ فرمودند: **«بیشتر عذاب قبر به سبب ادرار است؛ پس خود را از آن پاک بدارید»** به روایت دارقطنی و آلبانی آن را در صحیح الترغیب والترهیب (۱/ ۱۵۲) صحیح دانسته است.

ـ غیبت

بر همین اساس، امام بخاری ـ رحمه الله ـ بابی را در کتاب جنائز صحیح خود تحت عنوان **«عذاب القبر من الغیبة والبول»** قرار داده است. سپس حدیث گذشته درباره‌ی دو قبر را روایت کرده اما در آن دو حدیث سخنی از غیبت نیامده بلکه از نمیمه و سخن‌چینی سخن به میان آورده است، اما عادت بخاری بر این است که در نام گذاری ابواب خود اشاره‌ای به دیگر طرق حدیث هم می‌کند، مانند این حدیث که امام احمد (۵/ ۳۵) روایت کرده و در آن آمده است: **«اما دیگری به سبب غیبت عذاب می‌شود»**. آلبانی در صحیح الترغیب والترهیب (۱/ ۶۶) این حدیث را صحیح دانسته است.

ـ دروغگویی

در حدیث سمرة بن جندب ـ رضی الله عنه ـ آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: **«پس به راه افتادیم تا آنکه به مردی رسیدیم که به پشت افتاده بود و شخص دیگری ایستاده و قلابی در دست داشت. شخص ایستاده، قلاب را در یک طرف دهان شخص نشسته، فرو می برد و تا پشت سر او می کشید و بعد، آن را در طرف دیگر دهانش قرار می داد و تا پشت سر او می کشید. در این فاصله، طرف اول دهانش درست می شد. و مرد ایستاده دوباره همان کارش را تکرار می کرد. پرسیدم: سبحان الله! این چیست؟»** سپس در پایان حدیث درباره‌ی کسی که عذاب می‌شد به ایشان گفتند: **«این مردی است که از خانه‌اش بیرون می‌آید و دروغی می‌گوید که کران تا کران پخش می‌شود...»** به روایت بخاری (۷۰۷۴).

ـ رها کردن قرآن پس از یاد گرفتن آن و خوابیدن و نخواندن نماز فرض

در حدیث سمرة بن جندب ـ رضی الله عنه ـ آمده که رسول الله ﷺ فرمودند: به شخصی رسیدیم که به پشت، خوابیده است و شخص دیگری کنارش ایستاده و تخته سنگی را که در دست دارد، بر سرش می کوبد. و آن سنگ می غلتد و دور می افتد. و تا وقتیکه آن شخص سنگ را می آورد، سرشکسته، دوباره به حالت اول برمی گردد و آن شخص، مجددا آن سر را با سنگ میکوبد و این عمل همچنان تکرار می شود. پرسیدم: سبحان الله! این دو که هستند؟» و در پایان حدیث آمده است: **«مردی که سرش را با سنگ می‌کوبیدند مردی بود که خداوند به او قرآن یاد داده بود و شب را می‌خوابید و آن را نمی‌خواند و هنگام روز به آن عمل نمی‌کرد»**.

و در روایت دیگری آمده است: **«اما مردی که سرش را با سنگ می‌کوبیدند، کسی بود که قرآن را [فرا] می‌گرفت (حفظ می‌کرد)، اما آن را ترک (فراموش) می‌کرد، و از نماز فرض می‌خوابید»** به روایت بخاری (۷۰۷۶).

حافظ ابن حجر ـ رحمه الله ـ می‌گوید که روایت دوم روشن‌تر از روایت اول است، زیرا ظاهر روایت اول این است که وی برای ترک قرائت قرآن در شب عذاب می‌شود، اما روایت دیگر دال بر این است که وی برای خوابیدن از نماز فرض عذاب می‌شود.

وی می‌گوید: و احتمال دارد عذاب برای هر دو کار باشد، یعنی برای ترک قرائت و ترک عمل.

ابن حجر می‌گوید: **«ابن هبیره می‌گوید: ترک قرآن پس از حفظ آن جنایت بزرگی است، زیرا چنین وانمود می‌کند که انگار در آن چیزی یافته که شایسته‌ی ترکش دانسته؛ و هنگامی که گرامی‌ترین چیزها یعنی قرآن را ترک گفت، شایسته‌ی این شد که در گرامی‌ترین عضو بدن یعنی سرش مجازات شود»** فتح الباری (۳/ ۲۵۱).

ـ رباخواری

باز در حدیث سمرة ـ رضی الله عنه ـ آمده است: **«سپس، براه افتادیم تا اینکه به نهری از خون رسیدیم و شخصی را دیدیم که در وسط نهر، ایستاده و شخصی دیگر، کنار نهرایستاده است. و مقداری سنگ، پیش رویش قرار دارد. مردی که وسط نهر بود، براه می افتاد و می خواست بیرون بیاید. اما شخصی که بیرون نهر بود، سنگی در دهانش می کوبید و او را به وسط نهر برمی گرداند. و این کار همچنان تکرار می شد...»** تا آنجا که می‌گوید: **«اما مردی که در نهر شنا می‌کرد و سنگ در دهانش می‌کردند، رباخوار است»**.

ـ زنا

همچنین در حدیث سمرة آمده است: **«پس به راه افتادیم تا به بنایی مانند تنور رسیدیم که از آن سر و صدایی به گوش می‌رسید؛ نگاهی به داخل آن انداختیم و دیدیم مردان و زنانی لخت هستند که شعله‌هایی از زیرشان برافروخته می‌شود و هرگاه آن شعله‌ها به آنان می‌رسید فریاد می‌کشند. به آن دو گفتم: این‌ها چه کسانی هستند؟!»** و در پایان روایت آمده است که فرمود: **«اما مردان و زنان لختی که در آن بنای شبیه تنور بودند، مردان و زنان زناکارند»**.

ـ دستور دادن مردم به نیکی و فراموش کردن خود

از انس بن مالک ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: **«شبی که به اسرا رفتم مردانی را دیدم که دهانشان را با قیچی‌هایی از آتش می‌برند. گفتم: ای جبرئیل، این‌ها که هستند؟ گفت: این‌ها خطیبانی از امت تو هستند که مردم را به نیکی دستور می‌دهند و خود را فراموش می‌کنند، در حالی که کتاب را می‌خوانند؛ آیا تعقل نمی‌کنند؟»** به روایت امام احمد (۳/ ۱۲۰) آلبانی در سلسلة الصحیحة (۲۹۱) آن را صحیح دانسته است.

و نزد بیهقی آمده است که: **«شب اسرا از نزد گروهی گذشتم که دهان‌شان را با قیچی‌های آتشین می‌بریدند و هر بار که بریده می‌شد دوباره به حال اول باز می‌گشت. گفتم: ای جبرئیل این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: خطیبانی از امت تو که آنچه را می‌گویند انجام نمی‌دهند و کتاب الله را می‌خوانند و به آن عمل نمی‌کنند»** به روایت بیهقی در شعب الإیمان. آلبانی در صحیح الجامع (۱۲۸) آن را حسن دانسته است.

ـ روزه‌خواری در رمضان بدون عذر

از ابوامامه باهلی ـ رضی الله عنه ـ روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: **«در حالی که خواب بودم ناگهان دو مرد آمدند و بازوهای مرا گرفتند و من را به کوهی بردند و گفتند: بالا برو. گفتم: توانش را ندارم. گفتند: آن را برایت آسان می‌کنیم. پس بالا رفتم تا آنکه در وسط کوه بودم ناگهان صداهای بلندی شنیدم؛ گفتم: این صداها چیست؟ گفت: این ناله‌ی اهل آتش است. سپس مرا بردند، پس گروهی را دیدم که با رباط پاهایشان آویزان بودند و دهانشان پاره شده بود و از آن خون می‌آمد. گفتم: این‌ها که هستند؟ گفت: آن‌ها کسانی هستند که پیش از پایان روزه افطار می کنند»** به روایت ابن حبان و حاکم (۱/ ۲۰۹-۲۱۰). آلبانی در سلسلة الصحیحة (۳۹۵۱) آن را صحیح دانسته است.

ـ برداشتن بی اجازه از مال غنیمت پیش از تقسیم آن

در حدیثی که ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده درباره‌ی مردی آمده که در یکی از غزوات لباسی را از غنایم برداشته بود، پس پیامبر ﷺ فرمودند: **«قسم به آنکه جانم به دست اوست، لباسی که در روز خیبر پیش از تقسیم غنایم برداشته اکنون برایش همانند آتشی شعله می‌کشد»** به روایت بخاری (۴۲۳۴) و مسلم (۱۱۵).

ـ کشیدن لباس از روی تکبر

در حدیث ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ آمده است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: **«در حالی که مردی لباس خود را از روی تکبر بر زمین می‌کشید ناگهان به زمین فرو رفت و تا قیامت در آن فرو می‌رود»** به روایت بخاری (۳۴۸۵) و مسلم (۲۰۸۸).

ـ دزدی از حجاج

در حدیث جابر ـ رضی الله عنه ـ درباره‌ی نماز کسوف آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند: **«آتش را آوردند و آن هنگامی بود که دیدید عقب عقب رفتم و آن از ترس این بود که ترسیدم شعله‌های آن به من برسد، تا آنکه صاحب عصا را دیدم که دل و روده‌ی خود را در آتش می‌کشد؛ او کسی بود که با عصای خود از حاجیان دزدی می‌کرد و اگر متوجهش می‌شدند می‌گفت: به عصایم گیر کرده بود، و اگر متوجه نمی‌شدند آن را با خود می‌برد»** به روایت مسلم (۹۰۴).

ـ زندانی کردن حیوان و شکنجه و بی‌رحمی در مورد آن

در حدیث جابر ـ رضی الله عنه ـ درباره‌ی نماز کسوف آمده که رسول الله ﷺ فرمود: **«در آن (یعنی آتش) آن زن را دیدم که گربه را بست و به آن غذا نداد و رهایش نکرد که از خس و خاشاک زمین بخورد، تا آنکه از گرسنگی مرد»** به روایت مسلم (۹۰۴).

بیهقی در کتاب **«إثبات عذاب القبر»** (۹۷) می‌گوید: **«و هنگام خواندن نماز خسوف کسی را دید که دل و روده‌ی خود را در آتش به همراه می‌کشد و کسی را که به سبب دزدی عذاب می‌بیند و زنی را دید که به سبب گربه‌ای عذاب می‌شد، در حالی که آنان در قبر خود از نظر مردم زمان خود تبدیل به خاک شده بودند و هیچ‌یک از کسانی که با او نماز می‌خواندند آنچه را که ایشان دید، ندیدند»**.

ـ بدهکاری

از جمله مواردی که باعث می‌شود انسان در قبر خود عذاب ببیند، بدهکاری است. از سعد بن اطول روایت است که گفت: «برادرم درگذشت و سیصد دینار و کودکانی به جای گذاشت. خواستم [آن پول را] خرج کودکانش کنم، پس رسول الله ﷺ به من گفت: **«برادرت اکنون محبوس بدهیِ خود است، برو و دینش را ادا کن»** گفت: پس رفتم و دینش را ادا کردم، سپس آمد و گفتم: ای رسول خدا، دینش را ادا کردم و تنها یک زن باقی مانده که ادعا می‌کند دو دینار طلب دارد اما دلیلی ندارد. فرمود: **«به او بده، زیرا راست می‌گوید»** به روایت احمد (۱۶۷۷۶) و ابن ماجه (۲/ ۸۲). علامه آلبانی در صحیح الجامع (۱۵۵۰) آن را صحیح دانسته است.